



Conscription in Compulsion and Liberty with an Emphasis on Necessity of Awareness about Stance of International Law on Children's Roles as Soldier

Pouria Ebrahimpzadeh
Master of International Law, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran

Somayeh Rahmania
Assistant Professor, Department of International Law, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran
(Corresponding Author) Qom, Qom, Iran

خدمت وظیفه در مفاهیم اجبار و اختیار با تأکید بر ضرورت آگاهی نسبت به مواضع حقوق بین الملل پیرامون ایفای نقش کودکان به عنوان سرباز

پوریا ابراهیمزاده
کارشناس ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران
Iranxma@yahoo.com
<http://orcid.org/0000-0001-6172-0202>

سمیه رحمانیان
استادیار گروه حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران
(نویسنده مسئول)
Srahmanianlawyer@mshdiau.ac.ir
<http://orcid.org/0000-0002-6364-7157>

Abstract

The number of soldiers plays a key role in providing the national security of a country. Despite advances in technology and acquaintance with the use of arms, human beings still feel a tangible need to maintain a reasonable number of soldiers. The answer to the recent need is possible to a certain extent through the service of the soldiers. The implementation of conscription is considered among the sovereign rights in each state, and no regulations of the international law have prohibited states from exerting force or granting discretion in this process. However, this does not mean that sovereignty has absolute freedom to enforce the aforesaid right and is free to employ soldiers in any ways possible. The main question of the present research is that what are the positions of international law regarding the mandatory and optional role of children as soldiers and what is the need to know about these positions? The authors used a descriptive-analytical method for finding a thorough answer based on legal standards. The general research results emphasized that states and unofficial armed groups should abide by the stances of international law on children's roles as soldier. Moreover, the research results warn all children worldwide that participating in the armed forces can make them subject to abuse.

Keywords: International Law, Compulsory Service, Coercion and Liberty, Child, Soldier.

چکیده

نقش تعداد سربازان در تأمین امنیت ملی کشورها به قدری حائز اهمیت است که به رغم پیشرفت بشر در حوزه فناوری و آشنایی او با کاربرد تسلیحات نظامی، احساس نیاز به این شاخص همچنان ملموس است. پاسخ به نیاز اخیر تا حدودی از رهگذر انجام خدمت وظیفه توسط سربازان میسر می گردد. اجرای فرایند خدمت وظیفه در زمره حقوق حاکمیتی هر دولتی محسوب شده و هیچ مقرره‌ای در حقوق بین الملل دولت‌ها را از اجرای گونه اجباری و اختیاری این فرایند منع نکرده؛ لیکن این بیان بدین معنا نیست که حاکمیت در اعمال حق مزبور دارای آزادی مطلق است و به هر نحو که بخواهد می‌تواند از سربازان خویش استفاده کند. پرسش اصلی تحقیق حاضر از این قرار است که مواضع حقوق بین الملل در خصوص ایفای نقش اجباری و اختیاری کودکان به عنوان سرباز چیست و چه ضرورتی در آگاهی یافتن از این مواضع وجود دارد؟ نویسندگان با هدف یافتن پاسخی کامل و مبتنی بر موازین حقوقی از روش توصیفی-تحلیلی استفاده نمودند. نتیجه کلی تحقیق ضمن تأکید بر ضرورت پیروی دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیررسمی از مواضع حقوق بین الملل پیرامون ایفای نقش کودکان به عنوان سرباز، این هشدار را به تمام کودکان جهان می‌دهد که ایفای نقش آنان در کنار اعضای نیروهای مسلح می‌تواند ختم به سوءاستفاده کردن و استفاده نامتعارف از ایشان گردد.

واژگان کلیدی: حقوق بین الملل، خدمت وظیفه، اجبار و اختیار، کودک، سرباز.

Received: 2022/07/19 - Review: 2022/09/06 - Accepted: 2022/11/16

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۰۶ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۶

ارجاع:

ابراهیم زاده، پوریا؛ رحمانیان، سمیه؛ (۱۴۰۱)، خدمت وظیفه در مفاهیم اجبار و اختیار با تأکید بر ضرورت آگاهی نسبت به مواضع حقوق بین‌الملل پیرامون ایفای نقش کودکان به‌عنوان سرباز، تمدن حقوقی، شماره ۱۳.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA

COPE COMMITTEE ON PUBLICATION ETHICS

مقدمه

پیشرفت بشر در حوزه تولید تسلیحات نظامی^۱ و آشنایی او با کاربرد و توان ابزاری نظیر پهپاد^۲ و موشک^۳ زمینه را برای بازنگری در سیاست‌های مرتبط با اجرای فرایند نظام خدمت وظیفه^۴ فراهم کرد. علی‌ایحال اجرای فرایند مزبور حتی برای کشورهای پیشتاز در حوزه تولید تسلیحات نظامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Smith,2015,21). فرایند نظام خدمت وظیفه از مصادیق حقوق حاکمیتی هر دولتی محسوب شده و نظر به نقش این فرایند در تأمین امنیت ملی^۵، هیچ مقرره‌ای در حقوق بین‌الملل^۶ دولت‌ها را از اجرای گونه اجباری^۷ و اختیاری^۸ آن منع نکرده؛ لیکن این بیان بدین معنا نیست که حاکمیت^۹ در اعمال حق مزبور دارای آزادی مطلق است و به هر نحو که بخواهد می‌تواند از سربازان^{۱۰} خویش استفاده کند (Jobs,2013,127).

پرسش اصلی تحقیق حاضر از این قرار است که مواضع حقوق بین‌الملل در خصوص ایفای نقش

- 1- Military weapons
- 2- Unmanned Aerial vehicle
- 3- Missile
- 4- Duty Service
- 5- National Security
- 6- International Law
- 7- Compulsory
- 8- Optional
- 9- Sovereignty
- 10- Soldiers

اجباری و اختیاری کودکان^{۱۱} به‌عنوان سرباز چیست و چه ضرورتی در آگاهی یافتن از این مواضع وجود دارد؟ می‌دانیم که ایفای نقش به‌عنوان سرباز مستلزم توان روحی و جسمی معقول بوده و شاخص سن نقش ویژه‌ای را در ساختار روحی و جسمی انسان ایفا می‌کند. با این وصف باید پذیرفت که کودکان و بزرگسالان عمدتاً گزینه‌های مناسبی برای انجام خدمت وظیفه نبوده و دولت‌ها نیز تمایلی به جذب گزینه‌های نامناسب به‌عنوان سرباز ندارند. نظر به استدلال اخیر و لحاظ این نکته که قواعد حقوق بین‌الملل تا حد زیادی منبعث از اراده دولت‌هاست (موسی زاده، ۱۴۰۰، ۹)؛ فرضیه ما بر این پایه است که تجویز ایفای نقش کودکان و بزرگسالان به‌عنوان سرباز از سوی مقررات حقوق بین‌الملل بعید به نظر می‌رسد. چنانچه مواضع حقوق بین‌الملل در خصوص ایفای نقش کودکان به‌عنوان سرباز ذیل عنوان خدمت وظیفه منبعث از اسناد بین‌المللی لازم‌الاجرا^{۱۲} باشد اعمال آن در سیاست‌گذاری‌های مربوط به جذب سربازان الزامی بوده و نظر به امکان تخطی برخی از دولت‌ها، آگاه کردن کودکان نسبت به موازین حقوق بین‌الملل پیرامون این مسئله ضروری به نظر می‌رسد. نویسندگان با هدف یافتن پاسخی کامل و مبتنی بر موازین حقوقی از روش توصیفی-تحلیلی استفاده نمودند. نتیجه کلی تحقیق ضمن تأکید بر ضرورت پیروی دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیررسمی از مواضع حقوق بین‌الملل پیرامون ایفای نقش کودکان به‌عنوان سرباز، این هشدار را به تمام کودکان جهان می‌دهد که ایفای نقش آنان در کنار اعضای نیروهای مسلح می‌تواند ختم به سوءاستفاده کردن و استفاده نامتعارف از ایشان گردد.

۱- پیشنهاد

در ادامه به نقد چهار منبع از منابع اصلی تحقیق حاضر می‌پردازیم. لازم به ذکر است که اکثر نویسندگان به بیان مواضع حقوق بین‌الملل در باب ایفای نقش کودکان به‌عنوان سرباز پرداختند و کمتر مطلبی در باب ضرورت آشنایی با این مواضع یافت می‌شود. ما در این تحقیق بخشی از تمرکز خود را بر این مهم تخصیص داده‌ایم. اولین منبع کتاب «خصوصی‌سازی جنگ: شرکت‌های خصوصی نظامی و امنیتی ذیل حقوق بین‌الملل عمومی» اثر کامرون و چیتل است (Cameron and Chetail, 2013). کتاب اخیر ضمن تأکید بر مزایای خدمت وظیفه اختیاری، خدمت وظیفه اجباری را منسوخ دانسته است. نویسنده در بخشی از کتاب پای را فراتر گذاشته و ایفای نقش شرکت‌های خصوصی نظامی^{۱۳} در تأمین امنیت ملی و کنار

11- Children

12- Indispensable International Documents

13- Private Military Companies

گذاشتن اشکال کنونی ارتش را از منظر حقوقی و مدیریتی مورد ملاحظه قرار داده است. ضعف این منبع در نسخه تجویزی آن برای تمام کشورهاست. مطالب مطروحه در این منبع طوری بیان شده است که گویا استفاده از خدمت وظیفه اجباری به صلاح هیچ کشوری نیست! نقطه قوت تحقیق حاضر نسبت به کتاب فوق پرداختن به مبانی نظری حاکم بر خدمت وظیفه اجباری و اختیاری بوده و بر این نکته تأکید دارد که انتخاب نوع خدمت وظیفه بیش از هر چیز متأثر از اراده حاکمیت است.

دومین منبع مقاله «خدمت سربازی، حاکمیت قانون و حقوق شهروندی» اثر محمد شریف شاهی و همکاران است (شریف شاهی و همکاران، ۱۳۹۷). مقاله اخیر بر این موضوع تأکید دارد که دولت‌ها در اجرای فرایند نظام خدمت وظیفه دارای آزادی مطلق نبوده و موظف به رعایت کلیه مصادیق حقوق بشر^{۱۴} از جمله حقوق شهروندی^{۱۵} نسبت به سربازان خویش هستند. نویسندگان در تحقیق حاضر با وحدت رویه گرفتن از نقطه نظر مقاله فوق، دولت‌ها را ملزم به عدم سربازگیری^{۱۶} از میان کودکان به‌عنوان مصداقی دیگر از مصادیق حقوق بشر دانستند.

سومین منبع کتاب «حمایت از کودک سرباز در پرتو اسناد کیفری بین‌المللی با تکیه بر نقش دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی» اثر نگار کشاورز است (کشاورز، ۱۳۹۷). در این کتاب نویسنده با اشاره به بیش از بیست سند حقوقی بین‌المللی تلاش داشته است تا بدین موضوع تأکید ورزد که استخدام کودکان در نیروهای مسلح رسمی و غیررسمی ممنوع می‌باشد. بیان نظری صرف و عدم ارائه تفاسیر کاربردی از ضعف‌های کتاب فوق است. نقطه قوت تحقیق حاضر در قیاس با کتاب فوق ارائه مجموعه‌ای از آگاهی‌های ضروری به گروه‌های مسلح رسمی، غیررسمی و کودکان درباره عواقب حقوقی انجام چنین اقدامی است تا بلکه کمتر شاهد ایفای نقش کودکان در کنار اعضای نیروهای مسلح باشیم.

چهارمین منبع مقاله «کودکان، جنگ و آسیب‌های اخلاقی» اثر برونینگ است (Bruning, 2018). این مقاله به بحران‌هایی که جنگ می‌تواند بر روان کودکان وارد سازد اشاره می‌کند. در واقع نویسنده مقاله به خوبی یکی ضرورت‌های انجام تحقیق حاضر را پوشش داده است. نقطه قوت مقاله اخیر در قیاس با تحقیق حاضر بررسی تأثیر جنگ بر روان کودکان و نقطه قوت این تحقیق نسبت به مقاله فوق اشاره به تأثیر برخی از وقایع همچون جنگ در تمایل یافتن کودکان به ایفای نقش در کنار اعضای نیروهای مسلح است.

14- Human Rights

15- Citizenship Rights

16- Recruitment

۲- چهارچوب مفهومی و مبانی نظری

برای درک بهتر مباحث آتی، این بخش را به تعریف واژگان و مبانی نظری حاکم بر موضوع تحقیق اختصاص می‌دهیم.

۲-۱- چهارچوب مفهومی

در مقام عرف سرباز دلالت بر شخصی می‌کند که رسماً در حال خدمت به نیروهای مسلح رسمی یک کشور باشد (Cameron and Chetail, 2013, 23). مفهوم عرفی سرباز تطبیق زیادی با تعریف لغوی این واژه دارد. لغت‌نامه آکسفورد^{۱۷} سرباز را عضوی از ارتش تعریف کرده است. لغت‌نامه کمبریج^{۱۸} سرباز را عضوی از ارتش که لباس مخصوص ارتشیان را بر تن می‌کند دانسته است. تعریف لغت‌نامه وبستر^{۱۹} از واژه سرباز بسیار مشابه با تعریفی است که لغت‌نامه دهخدا از این واژه ارائه می‌کند. در لغت‌نامه وبستر سرباز به شخصی اطلاق گردیده که با پایین‌ترین درجات نظامی در حال خدمت به ارتش باشد. عناوینی نظیر خدمت وظیفه، خدمت عمومی^{۲۰} و خدمت ملی^{۲۱} به دوره‌ای اطلاق دارد که شخص به‌عنوان سرباز در خدمت نیروهای مسلح رسمی باشد. مدت و مبانی نظام خدمت وظیفه از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است. مثلاً مدت خدمت وظیفه در کشور ونزوئلا سی ماه و در کشور کره شمالی هشتاد و چهار ماه است. همچنین مبانی اجرای نظام خدمت وظیفه در برخی از کشورها همچون ترکیه و ایران بر پایه اجبار و در برخی از کشورها همچون چین و هند بر پایه اختیار است. سربازگیری سرآغاز اجرای نظام خدمت وظیفه است و به روند جذب اشخاص جهت استفاده از آنان در نیروهای مسلح رسمی تحت عنوان سرباز دلالت می‌کند. باید توجه داشت که سربازگیری و نظارت بر آن می‌بایست توسط نهادهای خاص و تحت نظارت حاکمیت انجام شود (شریف شاهی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۰۰).

استفاده بهینه از سربازان ایجاب می‌کند که جذب آنان جهت انجام خدمت وظیفه در بازه سنی خاصی به عمل آید؛ لذا در راستای اجرای این مهم بسیاری از کشورها بازه سنی مشخصی را تعیین کردند. مثلاً بازه سنی مذکور در کشور ایران بین هجده تا پنجاه و یک سالگی و در روسیه هجده تا بیست و هفت سالگی

17- Oxford Dictionary

18- Cambridge Dictionary

19- Webster Dictionary

20- Public Service

21- Public Service

در نظر گرفته شده است. ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک^{۲۲}، کودک را شخص زیر هجده سال می‌داند. با علم بر این تعریف بد نیست بدانیم که تعداد معدودی از کشورها در اجرای نظام خدمت و وظیفه اجباری و اختیاری از کودکان نیز استفاده می‌کنند. به اشخاصی که در بازه سنی کودکی در حال خدمت به نیروهای مسلح رسمی بوده و به‌عنوان سرباز ایفای نقش می‌کنند کودک سرباز^{۲۳} می‌گویند. در سند کیپ تون^{۲۴} کودک سرباز به دختران و پسران زیر هجده سالی اطلاق گردیده که به‌عنوان رزمنده، آشپز، باربر، پیام رسان، جاسوس، تله جنسی یا امثالهم به کار گرفته شوند. با لحاظ این تعریف باید پذیرفت مفهوم کودک سرباز بسیار وسیع‌تر از مفهوم کودکانی است که با اسلحه در حال خدمت به نیروهای مسلح رسمی باشند (حایری، ۱۳۹۷، ۳).

متأسفانه برخی نویسندگان از وصف کودک سرباز برای اشاره به کودکانی که در حلقه نیروهای مسلح غیررسمی هستند نیز استفاده می‌کنند که این استعمال محل ایراد است. ملاحظه شد که عرف، شرط اطلاق وصف سرباز به شخص را منوط به خدمت شخص در نیروهای مسلح رسمی و لغت‌نامه‌های اخیرالذکر شرط اطلاق وصف سرباز به شخص را منوط به خدمت شخص در ارتش دانستند. تقریباً در تمام اسناد بین‌المللی و رساله‌های نظامی کاربست واژه ارتش به صورت مطلق دلالت بر ارتش ملی یا همان نیروهای مسلح رسمی دارد. با لحاظ این نکته باید پذیرفت که اعضای گروه‌های تروریستی، گروه‌های شبه‌نظامی، باندهای تبهکار و امثالهم که همگی از مصادیق گروه‌های مسلح غیررسمی هستند سرباز محسوب نمی‌شوند. از طرفی بیان شد که فرایند سربازگیری می‌بایست توسط نهادهای خاص و تحت نظارت حاکمیت انجام شود که رویه گروه‌های مسلح غیررسمی در جذب نیرو از چنین فرایندی تبعیت نمی‌کند. لذا جذب نیرو توسط گروه‌های مسلح غیررسمی مصداق عضوگیری است و نه سربازگیری. از آن جا که نه اعضای گروه‌های مسلح غیررسمی سرباز محسوب می‌شوند و نه فرایند جذب نیرو در این گروه‌ها منطبق با فرایند سربازگیری است؛ فلذا استفاده از وصف کودک سرباز برای اشاره به اشخاصی که در بازه سنی کودکی به عضویت این گروه‌ها درآمدند نمی‌تواند صحیح باشد.

22- Convention on the Rights of the Child (1989)

23- Child Soldier

24- Cape Town Document (1997)

۲-۲- مبانی نظری

مسئله تأمین امنیت ملی مستلزم مداخله حاکمیت است و حاکمیت امنیت ملی خود و رهایی از تهدیدات^{۲۵} را با راهبردهای مختلف محقق می‌سازد (نجف‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۷۳). ممکن است حاکمیت هزینه تحقق این مهم را یا از طریق استفاده از سرمایه انسانی و یا از طریق اخذ مالیات از دارایی مردم فراهم کند. از نتایج طبیعی کاربست روش اول استقرار نظام خدمت وظیفه اجباری و از نتایج طبیعی کاربست روش دوم استقرار نظام خدمت وظیفه اختیاری است (ایمانی، ۱۳۹۹، ۶۳).

با لحاظ این نکته که اجرای نظام خدمت وظیفه می‌تواند بخشی از امنیت ملی را تأمین نماید می‌توان گفت که جدال نظری بر سر اجباری یا اختیاری بودن خدمت وظیفه در واقع نوعی جدال نظری بر سر نحوه تأمین بخشی از امنیت ملی است. طرفداران نظام خدمت وظیفه اجباری از نظریه وظیفه‌گرا^{۲۶} پیروی می‌کنند. بر اساس نظریه وظیفه‌گرا یک عمل زمانی معتبر محسوب می‌شود که انجام آن در لحظه، منطبق با عقل و وظیفه باشد. دفاعیات این گروه از نظام خدمت وظیفه اجباری عمدتاً حول محور دلایل نظامی-سیاسی در گردش است و بر این باورند که نیروی انسانی همچنان معیار مهمی در محاسبات نظامی، حراست از سرحدات، کسب اقتدار و ایجاد بازدارندگی^{۲۷} برای دشمنان داخلی و خارجی محسوب می‌شود (سجادیه و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۰۳). اشخاص طرفدار چنین موضعی عمدتاً نظامی هستند. در مقابل، طرفداران نظام خدمت وظیفه اختیاری از نظریه پیامد‌گرا^{۲۸} پیروی می‌کنند. بر اساس نظریه پیامد‌گرا یک عمل زمانی معتبر محسوب می‌شود که نتیجه حاصل از آن معقول باشد. دفاعیات این گروه از نظام خدمت وظیفه اختیاری عمدتاً حول محور مسائل اقتصادی-اجتماعی در گردش است و معتقدند آموزش به طیف وسیعی از اشخاص که بنا نیست برای مدت طولانی در سمت سرباز ایفای نقش کنند نه تنها از کیفیت مطلوب برخوردار نخواهد بود و بلکه معضلاتی نظیر هزینه بالای آموزش، افزایش سن ازدواج، ترویج همجنس‌گرایی و حتی خودکشی را به دنبال دارد (Nock and et.al., 2013, 97). اشخاص طرفدار چنین موضعی عمدتاً جامعه‌شناس و اقتصاديون هستند.

ملاحظه گردید که طرفداران نظام خدمت وظیفه اجباری بیش از هر چیز بر کمیت سربازان تأکید

25- Threats

26- Duty Theory

27- Deterrence

28- Consequential Theory

دارند. بد نیست بدانیم که سون تزو^{۲۹} در رساله نظامی هنر جنگ^{۳۰} با طرح این پرسش شاخص کمیت سربازان را در نیل پیروزی مورد توجه قرار داده است: «کدام طرف نبرد از نظر نفرات برتر است؟» (تزو، ۱۳۹۸، ۱۹). همچنین ملاحظه شد که طرفداران نظام خدمت وظیفه اختیاری بر کیفیت آموزش تأکید دارند. سون تزو با طرح این پرسش بر کیفیت آموزش نیز تأکید ورزیده است: «تعلیم دادن به افسران و نیروها در کدام طرف بهتر صورت پذیرفته است؟» (تزو، ۱۳۹۸، ۳۱). به نظر می‌رسد که غایت مطلوب رساله نظامی هنر جنگ ترکیبی از دو مؤلفه کمیت نیروها و کیفیت آموزش باشد که چنین موردی بیشتر در کشورهایی که دارای نظام خدمت وظیفه اختیاری هستند و آموزش سربازان به صورت تخصصی صورت می‌گیرد نمود پیدا می‌کند.

سوی تمام انتقاداتی که بر خدمت وظیفه اجباری وارد آمده است باید اذعان نمود که نظر به نقش کلیت نظام خدمت وظیفه در تأمین امنیت ملی، هیچ مقرره‌ای در حقوق بین‌الملل دولت‌ها را از اجرای گونه اجباری یا اختیاری آن منع نکرده؛ لیکن این بیان بدین معنا نیست که حاکمیت در اعمال حق مزبور دارای آزادی مطلق است و به هر نحو که بخواهد می‌تواند از سربازان خویش استفاده کند (Jobs, 2013, 127). از جمله محدودیت‌هایی که حقوق بین‌الملل در این خصوص وضع نموده مسئله ممنوعیت استخدام، سربازگیری و مشارکت دادن کودکان در جنگ توسط دولت‌هاست. البته گروه‌های مسلح غیررسمی از این ممنوعیت مستثنی نیستند لیکن شمار اسنادی که این دست از گروه‌ها را از جذب کودکان منع می‌کنند در قیاس با شمار اسنادی که چنین محدودیتی را برای دول وضع نمودند بسیار ناچیز است. حقوق کیفری بین‌المللی^{۳۱} به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های حقوق بین‌الملل ذیل بند دوم از ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی^{۳۲} صراحتاً و حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی^{۳۳} به‌عنوان زیرشاخه‌های دیگری از حقوق بین‌الملل در اسنادی نظیر ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق کودک^{۳۴}، ماده ۲ پروتکل الحاقی اول و بند سوم از ماده ۴ پروتکل الحاقی دوم به کنوانسیون‌های ژنو^{۳۵} تلویحاً بدین ممنوعیت برای دول اشاره داشتند. با وجود ممنوعیت اخیر، برخی از کشورها از جمله پاکستان و تایلند

29- Sun Tzu

30- Art of War

31- International Criminal Law

32- International Criminal Court (ICC)

33- International Humanitarian Law

34- Universal declaration of child rights (1959)

35- Geneva Conventions (1949)

سربازگیری از میان کودکان را به صورت غیررسمی و برخی از کشورها همچون کنگو، کلمبیا و میانمار این اقدام را به صورت رسمی انجام می‌دهند. مثلاً ارتش ملی میانمار بیش از هفت هزار کودک هشت تا دوازده ساله را به‌عنوان سرباز در اختیار دارد. به طور کلی می‌توان گفت که در کشورهای آفریقایی بیش از سایر نقاط جهان شاهد ایفای نقش کودکان در کنار اعضای نیروهای مسلح هستیم.

ممکن است این گونه تصور شود که استفاده از کودکان خواه به‌عنوان سرباز در نیروهای مسلح رسمی و خواه به‌عنوان عضو در نیروهای مسلح غیررسمی به دلایلی نظیر توانایی جسمی پایین این قشر و روند کند آموزش نظامی به آن‌ها فاقد هرگونه منطق و توجیه است اما بد نیست بدانیم که در پس استفاده از کودکان در نیروهای مسلح سه دلیل عمده نهفته است. اولاً با توجه به این که اکثر کودکان توانایی تشخیص خوب از بد را ندارند انتقال ایدئولوژی^{۳۶} به آنان با سهولت بیشتری صورت گرفته و در صورت تأثیرپذیری آنان از این ایدئولوژی، حس فرمانبرداری در آنان شیدا خواهد گشت. ثانیاً جثه ریز کودکان باعث می‌شود که ظن نسبت به این گروه کمتر باشد و همین قضیه می‌تواند کودکان را به بهترین گزینه جهت انجام اعمالی نظیر حملات انتحاری^{۳۷} تبدیل کند. ثالثاً کودکان معمولاً با حقوق خود به‌عنوان عضوی از نیروهای مسلح آشنا نیستند. این مهم شاخص مطلوبی برای آن دست از دولت‌ها و نیروهای مسلح غیررسمی است که به دنبال جذب نیروهای غیرمطالبه‌گر هستند. دلایل اخیر می‌توانند دست در دست هم دهند تا یک کودک به صورت داوطلبانه و صرفاً با هدف کسب اعتبار در آنچنان عملیات خطیری شرکت کنند که یک بزرگسال حتی در ازاء دریافت مبالغ کلان حاضر به حضور در آن عملیات نباشد. کودکانی که در اجتماعات متعصبانه و افراط‌گرایانه سیاسی-مذهبی رشد نمودند و یا خانواده خود را به دلایلی نظیر جنگ از دست دادند و در نتیجه استثمار کشورشان از فقر رنج می‌کشند بیش از هر قشری در معرض خطر جذب توسط نیروهای مسلح رسمی و غیررسمی هستند (Faulkner and et.al.,2019,1017).

۳- تاریخچه

قرن هجدهم سرآغاز ظهور خدمت وظیفه اجباری و قرن نوزدهم سرآغاز افول این رویه و حرکت کشورها به سوی خدمت وظیفه اختیاری محسوب می‌گردد. به گواه تاریخ در قرن هجدهم و برای اولین بار در جهان ناپلئون بناپارت^{۳۸} با هدف تأمین نیروی انسانی مورد نیاز جهت استمرار کشورگشایی‌های

36- Ideology

37- Suicide Attacks

38- Napoleon Bonaparte (1769-1821)

خویش قانونی موسوم به خدمت وظیفه را تصویب نمود. به موجب قانون اخیر مردان جوان فرانسوی مکلف شدند تا به صورت عمومی، اجباری و برای مدت مشخص در ارتش خدمت کنند و در صورت سرپیچی به حبس محکوم می‌شدند. به واسطه اجرای این قانون، فرانسه در میان سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۸۱۳ مجهز به ارتشی بالغ بر دو میلیون و ششصد هزار سرباز شد. این ارتش از نظر توان نظامی کلاسیک بسیار ضعیف بود به نحوی که بسیاری از سربازانش از یک اسلحه^{۳۹} به صورت نوبتی استفاده می‌کردند؛ لیکن برتری نفرات همین ارتش توانسته بود درس‌های خوبی به ارتش‌های پیشرفته چند ده هزار نفری دشمن بدهد. نظر به نقشی که مؤلفه کمیت سربازان در ارتش ناپلئون به نمایش گذاشت قانون خدمت وظیفه ناپلئونی مورد استقبال بسیاری از کشورها قرار گرفت.

مروری بر فرایند ورود قانون خدمت وظیفه در کشورهای مختلف مسجل می‌سازد که کشورهای پیشرفته انعطاف بیشتری در نحوه اجرای این قانون از خود نشان داده و همچنان نیز نشان می‌دهند. مثلاً در سال ۱۸۶۲ آبراهام لینکلن^{۴۰} قانون خدمت وظیفه را به تصویب رساند و از آن پس خدمت وظیفه در ایالات متحده امریکا به صورت اجباری در آمد. اعتراض مردم نسبت به این قانون باعث شد که مجلس ایالات متحده امریکا در اواخر سال ۱۸۶۳ امکان خرید خدمت وظیفه را فراهم سازد. در مقایسه با ایالات متحده امریکا، روسیه به‌عنوان کشوری کمتر توسعه یافته انعطاف کمتری در فرایند اجرای نظام خدمت وظیفه از خود نشان داد. در سال ۱۸۷۴ یعنی حدود ده سال پس از آن که مجلس ایالات متحده امریکا خرید خدمت وظیفه را در این کشور ممکن ساخته بود در روسیه مدت این خدمت از بیست سال به شش سال کاهش یافت!

در پی تأسیس نهادهایی همچون جامعه ملل^{۴۱}، سازمان ملل متحد^{۴۲}، آغاز جنبش‌های مردمی مبنی بر مغایرت خدمت وظیفه اجباری با آموزه‌های حقوق بشری، افزایش کارکرد تسلیحات نظامی از راه دور و کاهش نقش نیروی انسانی رویه لغو خدمت وظیفه اجباری آغاز و در این زمینه کشورهای ایرلند، ژاپن و انگلستان پیشگام بودند. این رویه تا به جایی پیش رفت که امروزه صرفاً هفده کشور دارای خدمت وظیفه اجباری هستند. به موازات اعتراضات مردم مبنی بر عدم تطبیق خدمت وظیفه اجباری با موازین حقوق بشری، جامعه بین‌المللی^{۴۳} از مسئله ایفای نقش کودکان به‌عنوان سرباز غافل نماند. ایفای نقش کودکان

39- Weapon

40- Abraham Lincoln (1809-1865)

41- League of Nations

42- United Nations (UN)

43- International Community

به‌عنوان سرباز سابقه دیرینه‌ای دارد و مصادیق بارز آن را می‌توان در ارتش هیتلر^{۴۴} و ارتش صدام^{۴۵} مشاهده کرد. مثلاً در ارتش هیتلر کودکان زیر چهارده سال تحت تعلیمات نظامی قرار می‌گرفتند و عندالاقضاء مجبور به حضور در میدان نبرد می‌شدند (Kay, 2021, 195). نیز چنانچه خانواده‌های عراقی تمایل به همکاری در این زمینه نداشتند از برخی حقوق اجتماعی از جمله دریافت کوپن غذا محروم می‌گشتند.

توجه به این موارد باعث شد تا جامعه بین‌المللی با تصویب اسناد حقوقی گوناگون دولت‌ها را از کار بست کودکان به‌عنوان سرباز خواه بر پایه اجبار حاکمیت و خواه بر پایه تمایل کودکان منع نماید و دیری نپایید که این ممنوعیت متوجه گروه‌های مسلح غیررسمی نیز شد. در سال ۲۰۰۷ لماراسامی^{۴۶} سمت نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در امور کودکان و مخاصمات مسلحانه را دریافت کرد. وی گزارشی را طی ۱۷۲ اصل تنظیم و به سازمان ملل متحد تقدیم نمود که از سوی مجمع عمومی^{۴۷} و شورای امنیت^{۴۸} تصویب گشت (میرمحمدی، ۱۳۸۷، ۶۳). نکته حائز اهمیت در این گزارش تفکیکی بود میان ایفای نقش کودکان به‌عنوان سرباز و حضور کودکان در میدان نبرد در نظر گرفته شده بود. با لحاظ این تفکیک می‌توان گفت ماده ۳ مقاله‌نامه شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار^{۴۹} در سال ۱۹۹۹ و ماده ۳ پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در سال ۲۰۰۰ در زمره اولین اسنادی هستند که صراحتاً به مسئله ممنوعیت ایفای نقش کودکان به‌عنوان سرباز اشاره داشتند. دیوان کیفری بین‌المللی و دادگاه ویژه سیرالئون^{۵۰} اولین محاکمی بودند که در سال ۲۰۰۲ تأسیس و صلاحیت برخورد با دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیررسمی را که اجباراً یا اختیاراً از کودکان به‌عنوان سرباز یا عضو استفاده می‌کردند بر عهده گرفتند و در این زمینه خاطیانی از جمله الکس تامبا^{۵۱}، ژوزف کنی^{۵۲} و توماس لوبانگا^{۵۳} را محاکمه (Drumbl, 2012, 481-483). با تمام این مواضع جای بسی تأسف است که دیدبان حقوق بشر^{۵۴} گزارش داد بیش از سیصد هزار کودک در نیروهای مسلح رسمی و غیررسمی کشورهای مختلف به‌عنوان سرباز یا عضو ایفای نقش می‌کنند (Chen, 2016, 989).

44- Adolf Hitler (1889-1945)

45- Saddam Hussein (1937-2006)

46- Lemarasamy

47- General Assembly

48- Security Council

49- International Labour Organization (ILO)

50- Special Court for Sierra Leone

51- Alex Tamba Brima (1971-2016)

52- Joseph Kony

53- Thomas Lubanga Dyllo

54- Human Rights Watch

۴- یافته‌های پژوهش

در این قسمت ابتدا به مواضع حقوق بین‌الملل پیرامون ایفای نقش کودکان به‌عنوان سرباز پرداخته و سپس به بیان بایسته‌های کاربردی که دانستن آن برای گروه‌های مسلح رسمی، غیررسمی و کودکان ضروری است اشاره خواهیم کرد.

۴-۱- مواضع حقوق بین‌الملل پیرامون ایفای نقش کودکان به‌عنوان سرباز

شمار اسنادی که صراحتاً یا تلویحاً به مقوله‌هایی نظیر ممنوعیت استخدام، سربازگیری و حضور کودکان در میدان نبرد پرداختند به قدری زیاد است که حتی صرف فهرست کردن نام این اسناد از حوصله بحث ما خارج است لیکن با هدف آشنایی با موازین حقوق بین‌الملل در این خصوص با نگرشی مفسرانه به شماری از آن‌ها اشاره می‌کنیم. ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق کودک بدین موضوع تأکید دارد که استخدام و یا ارائه آموزشی که باعث ورود لطمه به رشد روحی و جسمی کودکانی شود که هنوز به سن مناسب نرسیدند ممنوع است (کشاورز، ۱۳۹۷، ۲۸). ملاحظه می‌گردد که این مقرره دامنه ممنوعیت خود را معطوف به کودکان فاقد قوای روحی و جسمی مناسب می‌کند و نه همه کودکان. با صرف اتکاء به این مقرره باید گفت با توجه به این که ایفای نقش به‌عنوان سرباز نیازمند روحیه و قوای جسمانی معقول است و کودکان عموماً از چنین مواردی برخوردار نیستند دولت‌ها موظفند از پذیرش کودکان فاقد قدرت روحی و جسمی مناسب جهت انجام خدمت وظیفه امتناع ورزند لیکن این محدودیت در خصوص کودکانی که دارای چنین قدرتی هستند وجود ندارد.

بند دوم ماده ۷۷ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو صراحتاً دولت‌ها را از استخدام اشخاص زیر پانزده سال در مخاصمات مسلحانه منع نموده است. می‌دانیم که پروتکل اول الحاقی صرفاً مربوط به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است. لذا چنانچه بخواهیم صرفاً مقرره فوق را مبنا قرار دهیم باید پذیرفت که دولت‌ها در خصوص استخدام و وارد کردن اشخاص زیر پانزده سال در مخاصمات مسلحانه داخلی تعهدی ندارند. بد نیست بدانیم به موجب بند سوم از ماده ۴ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو که خاصاً در خصوص مخاصمات مسلحانه داخلی تدوین گشته است، دولت‌ها در عرصه مخاصمات مسلحانه داخلی نیز با محدودیت مزبور مواجهند! این دو پروتکل صراحتاً بر ممنوعیت استخدام و وارد کردن اشخاص زیر پانزده سال در عرصه مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی تأکید ورزیدند و ممنوعیتی را از جهت انجام خدمت وظیفه توسط اشخاص زیر پانزده سال متوجه دولت‌ها نساختند. با

پذیرش این نقطه نظر باید گفت که ایفای نقش به‌عنوان سرباز تحت عنوان خدمت وظیفه نوعی استخدام محسوب می‌شود؛ فلذا ایفای نقش اشخاص زیر پانزده سال به‌عنوان سرباز از منظر پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون‌های ژنو مقبول واقع نگردیده است. همچنین بند دوم از ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی با نگاهی ژرف بدین موضوع پرداخته و استفاده و به کارگیری اشخاص زیر پانزده سال را خواه بر مبنای اجبار یا اختیار، خواه برای امور پشتیبانی یا جنگی، خواه برای مخاصمات مسلحانه داخلی یا بین‌المللی و خواه توسط نیروهای مسلح رسمی و غیررسمی ممنوع و عمل مزبور را مصداقی از جنایت جنگی^{۵۵} و مشمول تعقیب کیفری دانسته است. در مقام قیاس به جرأت می‌توان گفت که هیچ مقرره‌ای در حقوق بین‌الملل همچون مقرره اخیر از جامعیت و قابلیت اجرایی لازم در خصوص ایفای نقش کودکان در کنار نیروهای مسلح برخوردار نیست.

در برخی از اسناد حداقل سن لازم برای ایفای نقش به‌عنوان سرباز هجده سال در نظر گرفته شده است. در این خصوص می‌توان به مواردی نظیر بند دوم از ماده ۲۲ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت^{۵۶} و ماده ۲ پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک اشاره کرد. پرسش قابل طرح این است حداقل سن مجاز جهت ایفای نقش به‌عنوان سرباز پانزده سال است یا هجده سال؟ پاسخ پانزده سال است، لیکن در خصوص اشخاص بین پانزده تا هجده سال موضوعی اتخاذ گردیده است. مثلاً طی ماده ۷۷ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، صورتجلسه بیست و ششمین اجلاس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ^{۵۷} و ماده ۴ پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک از کشورها خواسته شده است تا از مسلح کردن اشخاص بین پانزده تا هجده سال خودداری کنند و در صورت لزوم بر استفاده از ایشان به‌عنوان سرباز، اولویت با بزرگ‌ترها باشد.

۴-۲- آنچه گروه‌های مسلح رسمی و غیررسمی باید بدانند

ارتکاب فعل یا ترک فعلی که به موجب قانون مشمول وصف مجرمانه نشده باشد جرم نبوده و نمی‌توان مرتکب آن عمل را مجرم نامید. به این قاعده اصل قانونی بودن جرم گفته می‌شود. همچنین مادامی که قانون برای عمل مجرمانه مجازاتی معین نکرده باشد نمی‌توان مجرم را مجازات نمود. به این قاعده اصل قانونی بودن مجازات اطلاق می‌گردد. در عرصه بین‌المللی نیز مادامی که فعل یا ترک فعلی جرم تلقی

55- War Crime

56- African Court on Human and Peoples' Rights (2004)

57- International Committee of the Red Cross (ICRC)

نگریده باشد و مجازات آن معین نشده باشد برخورد با خاطیان میسر نخواهد بود. در حقوق بین‌الملل، به موجب بند اول از ماده ۲۲ و ماده ۲۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اصل قانونی بودن جرم و مجازات مورد شناسایی قرار گرفته است و من حیث‌المجموع دو مقررہ اخیر بر این موضوع تأکید دارند که چنانچه فعل یا ترک فعلی در زمان وقوع منطبق با یکی از مصادیق مجرمانه مذکور در اساسنامه باشد مرتکب آن عمل مجرم و بر اساس مقررات مندرج در اساسنامه مجازات خواهد شد (بابایی و همکاران، ۱۳۹۹، ۹۲).

می‌دانیم که هر جرمی مشکل از سه عنصر مادی، روانی و قانونی بوده و جرم کودک سربازی از این قضیه مستثنی نیست. عنصر مادی جرم مزبور جذب اشخاص زیر پانزده سال در نیروهای مسلح رسمی و غیررسمی است که موجب ایجاد مسئولیت برای رکن استخدام‌کننده می‌گردد و در این خصوص فرقی میان جذب اجباری یا اختیاری اشخاص زیر پانزده سال و یا نحوه استفاده از آنان اعم از پشتیبان یا جنگجو نیست. در خصوص عنصر روانی باید گفت که جرم مزبور در زمره جرایم عمدی است. لذا همین که رکن استخدام‌کننده بداند چنین عملی غیرقانونی است برای احراز سوءنیت مجرمانه کفایت خواهد کرد. عنصر قانونی جرم نیز دلالت به کلیه مقرره‌هایی دارد که این عمل را جرم‌انگاری نمودند. در رأس این مقررات می‌توان از ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی یاد کرد. ضروری است که دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیررسمی از جرم‌انگاری شدن جذب کودکان در درون خود آگاه باشند اما باید در نظر داشت که ایجاد فرهنگ پیشگیری از این رفتار می‌تواند تأثیر بهتری تا جرم‌انگاری آن داشته باشد (Song and de Jong, 2015, 765). ضروری است دولت‌ها بدانند که در مواردی نظیر ارائه آموزش، فراهم کردن تجهیزات، آگاهی دادن به سربازان پیرامون خطر انجام عملیات نظامی و عدم استفاده از نیروها برای انجام عملیات نظامی غیرقانونی نظیر تجاوز متعهد بوده و در صورت عدم رعایت این موارد و کشته شدن نیروها، دارای مسئولیت خواهند بود و در این میان تفاوتی میان سرباز و کودک سرباز و یا مبنای جذب آنان وجود ندارد. ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۵۸} صحت این بیان را تصدیق می‌کند. همچنین ضروری است دولت‌ها بدانند که تعهدات شان ختم به عدم سربازگیری از میان کودکان نشده و می‌بایست عوامل مؤثر بر ایجاد گرایش در کودکان مبنی بر عضویت در نیروهای مسلح غیررسمی را شناسایی و آن موارد را بلااثر کنند زیرا در صورت عضویت کودکان در نیروهای مسلح غیررسمی و بروز مخاصمات مسلحانه داخلی همین کودکان می‌توانند بحران‌های امنیتی بزرگی را خلق کنند (Lasley and Thyne, 2015, 289).

58- European Convention on Human Right (1950)

گفتیم که دولت‌ها باید بدانند که جذب کودکان در نیروهای مسلح رسمی عملی غیرقانونی است؛ لیکن این بیان بدین مفهوم نیست که اگر این اقدام غیرقانونی را انجام دادند هیچ گونه تعهدی نسبت به کودک سربازان ندارند. هیچ یک از منابع حقوق بین‌الملل به تعهدات دول نسبت به سربازان خویش نپرداخته است اما این مهم را می‌دانیم که دولت‌ها حتی در مقام مقابله با موجودیتی همچون تروریسم^{۵۹} می‌بایست مصادیق حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی را رعایت کنند. با لحاظ این نکته بعید به نظر می‌رسد که دولت‌ها در خصوص رعایت موازین حقوقی اخیر نسبت به سربازان و کودک سربازان خود فاقد تعهد باشند. بارزترین این تعهد رعایت حق^{۶۰} حیات بوده که این حق برای هر انسانی فارغ از جغرافیای زیست و زاد و بوم؛ محترم و در اسنادی نظیر ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی^{۶۱} منعکس شده است.

گروه‌های مسلح غیررسمی در قیاس با دولت‌ها سهم بسیار بیشتری در جذب کودکان ایفا می‌کنند (Haer, 2019, 74). این گروه‌ها ممکن است با استفاده از این بهانه که فقط دولت‌ها می‌توانند طرف امضاء اسناد مذکور در بخش ۴-۱ قرار گیرند خود را فاقد تعهد در زمینه عضوگیری از میان کودکان بدانند. حتی با پذیرش این ادعای مضحکانه باید گفت که اولاً برخی از اسناد محل بحث استفاده از کودکان را هم برای نیروهای مسلح رسمی و هم برای نیروهای مسلح غیررسمی ممنوع دانستند؛ ثانیاً مقررات اسنادی نظیر پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو جنبه عرفی یافته و در اجرای مقررات این اسناد، گروه‌های مسلح غیررسمی همچون دولت‌های غیر عضو مستثنی نیستند. ماده ۲۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اعلام داشته است که دیوان صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی توسط اشخاص زیر هجده سال را ندارد. بدیهی است که در صورت بروز جنایت از سوی کودکان عضو نیروهای مسلح رسمی و غیررسمی، آمرین به عضویت بنا بر اصل مسئولیت کیفری آمر مجازات خواهند شد. آمرین ایفای نقش کودکان به‌عنوان سرباز در نیروهای مسلح رسمی و یا آمرین ایفای نقش کودکان به‌عنوان عضو در نیروهای مسلح غیررسمی بهتر است پیش از انجام چنین اقدامی محاکمه الکس تامبا، ژوزف کنی و توماس لوبانگا را نصب‌العین خویش قرار دهند.

۴-۳- آنچه کودکان باید بدانند

دولت‌ها ممکن است با سوءاستفاده کردن از فقر اطلاعاتی کودکان پیرامون مواضع حقوق بین‌الملل در خصوص ایفای نقش ایشان به‌عنوان سرباز مبادرت به جذب این قشر نمایند. گروه‌های مسلح غیررسمی نیز

59- Terrorism

60- Right of Life

61- International Covenant on Civil and Political Rights (1966)

عموماً با سوءاستفاده کردن از وضعیت نابسامان اقتصادی و تعصبات نابجای سیاسی-مذهبی این قشر آنان را جذب می‌کنند. لذا ضروری است کودکان بدانند مبنای حضورشان در نیروهای مسلح رسمی و غیررسمی در اکثر موارد بر پایه سوءاستفاده کردن رکن استخدام‌کننده استوار است (Rooks and et.al., 2021, 884). گروه‌های مسلح غیررسمی همچون القاعده^{۶۲} از کودکان برای انجام اموری نامتعارف نظیر حملات انتحاری استفاده می‌کنند (Shaffer, 2015, 583). اگرچه گروه‌های مسلح رسمی در مقام قیاس با گروه‌های مسلح غیررسمی استفاده‌های متعارف‌تری از کودک سربازان به عمل می‌آورند و کودک سربازان در این گروه‌ها عمدتاً در سمت‌های خدماتی یا پشتیبانی ایفای نقش می‌کنند لیکن ضروری است این قشر بدانند که نه در نیروهای مسلح رسمی و نه در نیروهای مسلح غیررسمی هیچ تضمینی مبنی بر انجام امور متعارف توسط ایشان وجود ندارد و انجام امور نامتعارف می‌تواند آسیب‌های غیرقابل جبرانی بر شخصیت شان وارد کند (Bruning, 2018: 143).

می‌دانیم که حقوق بشردوستانه بین‌المللی به‌عنوان حقوقی که چهارچوب قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه داخلی یا بین‌المللی را ترسیم می‌کند حمایت ویژه‌ای از کودکان به عمل آورده است. این حمایت در مصادیقی از جمله ممنوعیت هدف قرار دادن و دستگیر کردن کودکان در عرصه مخاصمات نمود پیدا می‌کند. البته باید در نظر داشت که حمایت مذکور با مشارکت فعال کودکان در عرصه مخاصمات ملغی خواهد گشت (Song and de jong, 2015: 766). بنا بر گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، مشارکت فعال می‌تواند در قالب اقدامی باشد که بر توان عملیاتی یک جناح تأثیر مثبت و بر جناح دیگر تأثیر منفی گذاشته و رابطه سببیت^{۶۳} میان آن عمل و نتیجه حاصله قابل استنباط باشد. با لحاظ این نکته باید پذیرفت که ایفای نقش کودکان به‌عنوان سرباز در نیروهای مسلح رسمی و یا به‌عنوان عضو در نیروهای مسلح غیررسمی حتی در سمت‌های خدماتی مصداقی از مشارکت فعال بوده و در صورت بروز جنگ، حقوق بشردوستانه بین‌المللی همچون یک رزمنده از ایشان حمایت خواهد کرد نه یک کودک. لذا ضروری است کودکان بدانند که ایفای کوچک‌ترین نقش در کنار نیروهای مسلح رسمی یا غیررسمی در زمان مخاصمات می‌تواند ماهیت ایشان را به یک رزمنده یا حتی مزدور تبدیل کند.

62- Al-Qaeda

63- Causality

نتیجه

به غیر از تعداد معدودی از کشورها از جمله کره شمالی و روسیه، تقریباً تمام کشورهای دارای ناوگان نظامی پیشرفته از نظام خدمت وظیفه اختیاری استفاده می‌کنند. نقطه مقابل این گفته بدین شرح است که کشورهای فاقد ناوگان نظامی پیشرفته با هدف پوشش این ضعف خود شمار زیادی از نیروها را بر پایه نظام خدمت وظیفه اجباری جمع‌آوری می‌کنند. به هر جهت باید پذیرفت که نقش نیروی انسانی در تأمین امنیت ملی قطعاً کاسته شده است لیکن هیچ‌گاه از بین نخواهد رفت. مسئله انتخاب اجباری یا اختیاری بودن نظام خدمت وظیفه در هر کشوری بیش از هر چیز متأثر از اراده حاکمیت است اما حاکمیت در مواردی از جمله نحوه استفاده از سربازان و سن آن‌ها می‌بایست قوانین داخلی را با موازین بین‌المللی تطبیق دهد. نویسندگان بر این باورند که عدم تفکیک میان دولت‌هایی که کودکان را با میل خود و رضایت والدین برای انجام امور متعارف وارد در نیروهای مسلح رسمی می‌کنند و دولت‌هایی که اجباراً کودکان را برای انجام امور نامتعارف به نیروهای مسلح رسمی جذب می‌کنند منصفانه نیست، لیکن در حال حاضر حقوق بین‌الملل قائل به چنین تفکیکی نبوده و همان‌طور که گفته شد ممنوعیت سربازگیری از میان کودکان زیر پانزده سال با وصف ممنوعیت و سربازگیری از کودکان بین پانزده تا هجده سال با وصف محدودیت مواجه است. مسئله این نیست که اگر کشورها در قوانین داخلی خود این معیار سنی را لحاظ کنند مشکل مرتفع خواهد شد. با نگاهی به حداقل سن مجاز در اکثر کشورها جهت ایفای نقش به‌عنوان سرباز متوجه می‌شویم که قوانین داخلی در این خصوص مطابق با مقررات حقوق بین‌الملل است لیکن توجه، تأکید و مقصود ما دولت‌هایی هستند که تعهدات شان در این زمینه از روی کاغذ فراتر نمی‌رود. این نقض تعهدات از سوی گروه‌های مسلح غیررسمی بیشتر از دولت‌ها به چشم می‌خورد.

اگر بخواهیم صرف مبانی حقوقی را برای برخورد با این معضل بین‌المللی لحاظ کنیم بهترین پیشنهاد ما شناسایی مصادیق جذب کودکان در نیروهای مسلح رسمی و غیررسمی و ارجاع این موارد به دیوان کیفری بین‌المللی است لیکن باید پذیرفت که چنین عزمی در جامعه بین‌المللی وجود ندارد. تا زمان حصول چنین عزمی و ایجاد ضمانت‌های اجرای بازدارنده در خصوص ایفای نقش کودکان در کنار نیروهای مسلح، بهترین پیشنهاد ما صیانت از حقوق کودکان از طریق آگاهی‌بخشی به ایشان است.

کودکان باید بدانند که حاکمیت نمی‌تواند اجباراً یا اختیاراتاً از آنان به‌عنوان سرباز استفاده کند و دولت‌ها نیز باید بدانند که نباید کودکانی که داوطلبانه مایل به ایفای نقش به‌عنوان سرباز هستند را بپذیرند. همچنین دولت‌ها می‌بایست مبادرت به شناسایی عواملی کنند که باعث گرایش کودکان به عضویت در نیروهای مسلح غیررسمی می‌شود؛ زیرا در صورت بروز مخاصمات مسلحانه داخلی احیاناً با همین کودکان مصاف خواهند کرد. استقرار نظام آموزشی به دور از تعصب جهت کاهش تعصبات سیاسی-مذهبی و تلاش برای ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر جهت بهبود وضعیت اقتصادی کشور می‌تواند مفید واقع شود. عدم توجه دولت‌ها به موازین حقوق بین‌الملل در خصوص ایفای نقش کودکان به‌عنوان سرباز پیش از آن که بخواهد زمینه‌ساز تأمین امنیت ملی باشد می‌تواند چالش‌های حقوقی متنوعی را برای حاکمیت خلق کند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- ایمانی، علی، ۱۳۹۹، **سربازی و نهادسازی: چگونه سیاست‌گذاری خدمت سربازی منجر به نهادسازی در ایران گردید**، چاپ اول، تهران، انتشارات دافوس.
- بابایی، علی حسن؛ توحیدی، احمدرضا؛ قیوم زاده خرائقی، محمود، ۱۳۹۹، اقتضاء تعقیب در دیوان کیفری بین‌المللی در نگاهی تطبیقی با نظام‌های ملی. **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، شماره (۳۱) ۸.
- تزو، سان، ۱۳۹۸، **هنر جنگ**، ترجمه محمود حمیدخانی، چاپ اول، تهران، انتشارات سیته.
- حایری، امیر، ۱۳۹۷، بررسی مفهوم کودک سرباز در حقوق بین‌الملل، **مجله بین‌المللی پژوهش ملل**، شماره (۳) ۳۱.
- سجادیه، علیرضا؛ اکبری، رضا؛ سرآبادانی، حسین؛ تراب‌زاده جهرمی، محمدصادق، ۱۳۹۷، تحلیل اخلاقی

خدمت وظیفه سربازی از منظر نظریه‌های وظیفه‌گرا و پیامدگرا، فصلنامه مطالعات راهبردی

سیاست‌گذاری عمومی، شماره (۲۷) ۸

- نجف‌آبادی، سهیل؛ حسین‌خانی، الهام؛ عمویی، حامد، ۱۳۹۹، بررسی آینده‌پژوهی حضور ناتو در خاورمیانه و محیط پیرامونی ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، شماره (۱) ۱۷.

- شریف‌شاهی، محمد؛ نوروزی، قدرت‌الله؛ محمدی‌فارسانی، محسن؛ دهشیری، آمنه؛ ۱۳۹۷، خدمت سربازی، حاکمیت قانون و حقوق شهروندی، مجله اخلاق زیستی، شماره (۱) ۸

- کشاورز، نگار، ۱۳۹۷، حمایت از کودک سرباز در پرتو اسناد کیفری بین‌المللی با تکیه بر نقش دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی، چاپ اول، تهران، انتشارات آوا.

- موسی‌زاده، رضا، ۱۴۰۰، بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- میرمحمدی، سیدمصطفی، ۱۳۸۷، حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه (رهیافت‌های حقوق بین‌الملل و حقوق اسلام)، دوفصلنامه حقوق بشر، شماره (۱) ۳.

لاتین

- Bruning, M. D., 2018, Children, war, and moral injury, Military Behavioral Health, 6 (2).
- Chen, K., 2016, three perspectives on Chinese diplomacy: government, think-tanks and academia, International Affairs, 92 (4).
- Cameron, L.D., Chetail, V., 2013, Privatizing War: Private Military and Security Companies under Public International Law, Cambridge University Press, New York, First Edition.
- Drumbl, M. A., 2012, Child soldiers and clicktivism: Justice, myths, and prevention, Journal of human rights practice, 4 (3).
- Faulkner, C. M., Powell, J., Lasley, T., 2019, Funding, capabilities and the use of child soldiers, Third World Quarterly, 40 (6).
- Haer, R., 2019, Children and armed conflict: looking at the future and learning from the past, Third World Quarterly, 40 (1).
- Jobes, D. A., 2013, Reflections on suicide among soldiers, Psychiatry, 76 (2).
- Kay, C., 2021, German children's art during World War I, Global Studies of Childhood, 11 (2).
- Lasley, T., Thyne, C., 2015, Secession, legitimacy and the use of child

soldiers, *Conflict Management and Peace Science*, 32 (3).

- Nock, M. K., Deming, C. A., Fullerton, C. S., Gilman, S. E., Goldenberg, M., Kessler, R. C., Ursano, R. J., 2013, Suicide among soldiers: a review of psychosocial risk and protective factors, *Psychiatry*, 76 (2).

- Rooks, V. J., Wood, J. R., Hamele, M. T., Farnsworth, G. M., Nienow, S. M., 2021, Perspective: child abuse in the military, *Pediatric radiology*, 51 (6).

- Shaffer, R., 2015, the Terrorism, Ideology, and Transformations of Al-Qaeda, *Terrorism and Political Violence*, 27 (3).

- Smith, D. T., 2015, from the military-industrial complex to the national security state, *Australian Journal of Political Science*, 50 (3).

- Song, S. J., de Jong, J., 2015, Child soldiers: children associated with fighting forces, *Child and Adolescent Psychiatric Clinics*, 24 (4).